ستایش علی (ع) در شعر فارسی

منصف، مصطفی

این مقاله متکفل بیان سیر تاریخی‏ ستایش شاعران از مولا علی(ع)است. بخصوص در آن کوشش شده به این‏ پرسش پاسخ داده شود.نخستین شاعر ستایشگر علی(ع)در زبان فارسی که‏ بوده است؟همچنین نو آوری‏های‏ شاعران سده‏های بعد مورد بررسی‏ قرار گرفته است.

بعد از رحلت پیامبر گرامی اسلام(ص)و بروز تدریجی اختلاف در بین مسلمانان،شماری از شاعران تازی در تأیید مقام و توصیف و منقبت‏ امیر مؤمنان و فرزندان بزرگوارش،اشعار گرانسنگی سرودند که بزرگانی چون فرزدق، دعبل،کمیت و...از آن جمله‏اند.(1)

در زبان فارسی نیز شاعران فراوانی زبان به‏ ستایش مولای متقیان گشوده‏اند،که می‏توان‏ مجموعه‏های ارزشمندی از آن اشعار فراهم آورد.

اما پرسش این جاست که اولین شاعر پارسی زبان‏ که در ستایش علی(ع)شعر گفته کیست؟پاسخ به‏ این سؤال البته چندان آسان نیست.بخصوص که‏ می‏دانیم عوامل متعددی نام بسیاری از شاعران قرون‏ اولیه را پوشانده است و دست بیداد روزگار هم‏ صحیفه اشعارشان را شسته(2).در عین حال، در تذکره‏ها و دواوین شعرای متقدم،می‏توان به‏ نتایجی رسید که شاید چراغ راهی باشد برای‏ جویندگان آینده.

\*\*\*

از میان شاعران قرن سوم،رودکی و شهید بلخی،نخستین یادکردها را درباره علی(ع) دارند.شهید بلخی(م:325)گفته است:

ابر چون چشم هند بنت عتبه است‏ برق مانند ذوالفقار علی(کذا)(3)

و رودکی(م:329)سروده است:

ای شاه نبی سیرت ایمان تو محکم‏ ای میر علی حکمت عالم به تو در غال

و

کسی را که باشد به دل مهر حیدر شود سرخ رو در دو گیتی به آور(4)

چنان که می‏بینیم،این جا سخن در ستایش‏ مستقیم حضرت علی(ع)نیست،بلکه تلاش شاعران تنها برای ساختن تشبیهاتی است که بر زیبایی شعر بیفزاید،یا مدح پادشاه و امیری را تقویت کند.مضمون بیت آخر نیز تنها ستایش‏ دوستدار و محب علی(ع)است.

ناصر خسرو(م:481)در بیتی که خویش را می‏ستاید،چنین می‏گوید:

جان را ز بهر مدحت آل رسول‏ گه رودکی و گاهی حسان کنم(5)

از این بیت مستفاد می‏شود که رودکی(م:329) از نخستین شاعران ستایش‏گر اهل بیت پیامبر و حضرت علی(ع)بوده است و در قرن پنجم بدین‏ صفت شهرت داشته.اما افسوس که آن گهرهای‏ تابناک از گزند حوادث مصون نمانده و به دست ما نرسیده است.

\*\*\*

در قرن چهارم،نام سه تن از شاعرانی که‏ مدحتگر علی(ع)بوده‏اند،جلب نظر می‏کند:(6) حکیم فردوسی طوسی(329-411)،حکیم‏ کسایی مروزی(341-؟)و حکیم میسری‏ (324-؟)

از حکیم طوس،ابیاتی در دست است که نشان‏ از علاقه مفرط و اعتقاد او،به علی(ع)است. چنانکه تذکره نویسان یکی از علل مقبول نیفتادن‏ شاهنامه را نزد سلطان محمود سنی مذهب،همین‏ تشیع فردوسی و ستایش امیر مؤمنان می‏دانند.(7) نوشته مولف(النقض)در این باره خواندنی‏ است:«...اما شعرای پارسیان که شیعی و معتقد و متعصب بوده‏اند،هم اشارتی برود به بعضی. اولا فردوسی طوسی،شیعی بوده و در شاهنامه‏ در مواضع به اعتقاد خود اشارت‏ کرده است...»(8)

تا جایی که اطلاع داریم فردوسی در شاهنامه، به شیعه بودن خود،تصریح نکرده است،ولی‏ در چند جا به ستایش خالصانه علی(ع)پرداخته که‏ خود نوعی تظاهر به تشیع است.با این توصیف، آیا مؤلف«النقض»(تألیف شده در سال 560- هـ.ق)تلویحا فردوسی را اولین شاعر مداح‏ علی(ع)نمی‏داند؟

در چهار مقاله نظامی عروضی آمده...و بر رفض او(فردوسی)این بیت‏ها دلیل است که او گفت:

خردمند گیتی چو دریا نهاد برانگیخته موج از و تند باد

چو هفتاد کشتی در او ساخته‏ همه بادبان‏ها برافراخته

میانه یکی خوب کشتی عروس‏ بر آراسته همچو چشم خروس

پیمبر بدو اندرون با علی‏ همه اهل بیت نبی و وصی

اگر خلد خواهی به دیگر سرای‏ به نزد نبی و وصی گیر جای

گرت زین بد آید گناه من است‏ چنین دان که این راه،راه من است

بر این زادم و هم بر این بگذرم‏ یقین دان که خاک پی حیدرم

(9) در شاهنامه علاوه بر ابیات مذکور،بیت‏های‏ دیگری نیز آمده است که گواه صادقی بر این‏ مدعاست:

خردمند کز دور دریا بدید کرانه نه پیدا و بن ناپدید

بدانست کو موج خواهد زدن‏ کس از غرق بیرون نخواهد شدن

به دل گفت اگر با نبی و وصی‏ شوم غرقه دارم دو یار وفی

همان که باشد مرا دستگیر خداوند تاج و لوا و سریر

خداوند جوی می و انگبین‏ همان چشمه شیر و ماء معین...

دلت گر به راه خطا مایل است‏ تو را دشمن اندر جهان خود دل است

نباشد جز از بی پدر دشمنش‏ که یزدان به آتش بسوزد تنش

هر آن کس که در دلش بغض علی است‏ ازو زارتر در جهان زار کیست...

(10) همچنین در هجونامه معروفی که گفته‏اند فردوسی برای محمود ساخت،به ابیات چندی‏ برمی‏خوریم که در ستایش علی(ع)است:

مرا غمز کردند کان پر سخن‏ به مهر نبی و علی شد کهن

منم بنده اهل بیت نبی‏ ستاینده خاک پاک وصی

من از مهر این هر دو شه نگذرم‏ اگر تیغ شه بگذرد بر سرم

مرا سهم دادی که در پای پیل‏ تنت را بسایم چو دریای نیل

نترسم که دارم ز روشن دلی‏ به دل مهر جان نبی و علی

(11) با این مقدمه طولانی،می‏توان گفت که‏ فردوسی،بی تردید از نخستین شاعرانی است که‏ در منقبت امیر مؤمنان علی(ع)شعر گفته است.اما آیا او اولین مدحتگر علی(ع)در زبان فارسی است؟

حکیم کسایی مروزی که معاصر فردوسی است‏ و تنها دوازده سال از او کوچکتر است،اولین‏ شاعری است که شعری مستقل و در قالب قصیده‏ در مدح علی(ع)سروده است.مؤلف کتاب‏ «النقض»،در ادامه معرفی شاعران شیعی‏ می‏نویسد:«فخری جرجانی شاعی(شیعی)بوده‏ است و در[باره‏]کسایی خود خلافی نیست که همه‏ دیوان از مدایح و مناقب مصطفی و آل مصطفی است‏ علیه و علیهم السلام».(12)

از زندگی و اشعار فخری جرجانی اطلاعاتی‏ نداریم،(13)اما در میان اشعار موجود کسایی،دو شعر-یک قطعه و یک قصیده-در مدح علی(ع)به‏ چشم می‏خورد که ابیاتی از آن دو را در این جا می‏آوریم،اما پیش از آن،سخنی را از استاد عباس‏ اقبال نقل می‏کنیم که مؤید این نظر است:

«کسایی از شعرای بزرگوار بوده...و اشعاری‏ هم که از او مانده بیشتر در زهد و موعظه است و تا حدی که خبر داریم از اولین گویندگانی است که‏ در خراسان صریحا امیر المؤمنین علی(ع)و اهل بیت او را مدح کرده است.»(14)

قطعه

مدحت کن و بستای کسی را که پیمبر بستود و ثنا کرد و بدو داد همه کار

آن کیست بدین حال و که بوده است و که باشد جز شیر خداوند جهان حیدر کرار

این دین هدی را به مثل دایره‏ای دان‏ پیغمبر ما مرکز و حیدر خط پرگار

علم همه عالم به علی داد پیمبر چون ابر بهاری که دهد سیل به گلزار

(15) قسمتی از قصیده:

فهم کن گر مؤمنی فضل امیر المؤمنین‏ فضل حیدر،شیر یزدان،مرتضای پاک دین

فضل آن کس کز پیمبر بگذری فاضل تر اوست‏ فضل آن رکن مسلمانی،امام المتقین

(16) این قصیده 23 بیت است و در ضمن آن به تاریخ‏ سرودن شعر(380 هـ.ق.)چنین اشاره شده‏ است:

سیصد و هفتاد سال از وقت پیغمبر گذشت‏ سیر شد منبر ز نام و خوی تکسین و تگین

\*\*\*

شاعر دیگری که در این سال‏ها می‏زیست و قابل‏ ذکر است،اما در تذکره‏ها،تقریبا ذکری از او به میان نیامده،حکیم میسری است.اولین بار ژیلبر لازار محقق فرانسوی با معرفی مثنوی‏ «دانشنامه»میسری،ایرانیان فرهنگ دوست را شادمان کرد.مثنوی مذکور در علم طب و نزدیک‏ به پنج هزار بیت است.نسخه منحصر به فرد آن در کتابخانه ملی پاریس موجود است.

حکیم میسری این مثنوی را در بین سال‏های‏ 367 تا 370 هـ.ق.سروده است.(17)

در«دانشنامه»به صراحت علی(ع)و حضرت‏ فاطمه(س)و امام حسن(ع)و امام حسین(ع)ستوده‏ شده‏اند:

درودش بر علی هرچ آن نکوتر و بر جفت وی آن پاکیزه دختر

پس آن که بر حسین و بر حسن بر به فرزندان ایشان تن به تن بر

(18) دوباره پرسش آغازین بحث را تکرار می‏کنیم‏ که قدیم‏ترین شاعر مدحتگر علی(ع)در زبان فارسی‏ کیست؟و برای پاسخ به این سؤال،چند دانسته را کنار هم می‏گذاریم:

1-فردوسی در سال 329 هـ.ق.متولد شده‏ و از سال 370 هـ.ق.سرودن شاهنامه را آغاز کرده‏ است.

2-کسایی در سال 341 به دنیا آمده و در اواخر عمر به اشعار پندآمیز و منقبت سرایی روی آورده‏ است.نیز قصیده‏ای را که ذکر آن گذشت در سال‏ 380 هـ.ق سروده است.

3-حکیم میسری در سال 324 متولد شده(19)و مثنوی«دانشنامه»را در بین سال‏های‏ 367 تا 370 سروده است.

بدین ترتیب،اعداد گواهی می‏دهند که به احتمال‏ قوی سروده میسری قدیمی‏ترین ستایش منظوم علی(ع) به زبان پارسی است که بر جای مانده است(20).هر چند حکیم کسایی هنوز به عنوان اولین قصیده‏سرای مدحتگر امیر المؤمنین علی(ع)مطرح است و ارادت فردوسی به‏ آستان علی(ع)بر هیچ کس پوشیده نیست.

\*\*\*

شاعران قرن پنجم نیز گاه گاه برای عرضه نمونه‏ برتر و ساختن مضمون و ستایش ممدوحان خود، از نام و کردار علی(ع)سود می‏جستند.اما در میان‏ گویندگان این سده،نام ناصر خسرو قبادیانی‏ (394-481)به عنوان ستایشگری که گاه قصایدی‏ کامل در مدح آن امیر دلیر پرداخته است،جلب نظر می‏کند.آوازه او به حدی است که نام شاعران‏ دیگری چون غضایری رازی(م:425)-که از شیعیان ری و ستایشگر معروف علی(ع)بود-در بوته نسیان مانده است.(21)

حکیم ناصر خسرو قبادیانی از پیشگامان شعر مذهبی است و از نخستین شاعرانی است که برای‏ کسب صله و جلب رضایت حاکمان دون پایه، شاعری نکرده است بلکه شعر را به کلی در خدمت‏ دین و تبلیغ عقیده و در دفاع از مذهب خود قرار

داده است.او در این راه،آزار و اذیت فراوان دید و از اهل تعصب رنج‏ها کشید.

در دیوان وی که از شیعیان اسماعیلی است، حتی یک بیت در مدح پادشاهان و امرا دیده‏ نمی‏شود(22).خوشبختانه درباره زندگی و آثار ناصر خسرو،تحقیقات ارزشمندی شده و ما را از این کار بی نیاز می‏کند.از میان اشعار فراوان او که‏ به شکل‏های گوناگون به مدح علی(ع)پرداخته‏ است،قسمتی از یک قصیده 47 بیتی را با ردیف‏ علی(ع)می‏آوریم:

بهار دل دوست دار علی‏ همیشه پر است از نگار علی

از امت سزای بزرگی و فخر کسی نیست جز دوست دار علی

ازیرا کز ابلیس ایمن شده است‏ دل شیعت حق تبار علی

به صد سال اگر مدح گوید کسی‏ نگوید یکی از هزار علی

به مردی و علم و به زهد و سخا بنازم بدین هر چهار علی

شعار و دثارم ز دین است و علم‏ همین بد شعار و دثار علی

نبود اختیار علی سیم و زر که دین بود و علم اختیار علی

گزین و بهین زنان جهان‏ کجا بود جز در کنار علی

حسین و حسن یادگار رسول‏ نبودند جز یادگار علی

(23) در قرن ششم،شاعران دیگری،سعادت‏ ستایش امیر المومنین علی(ع)را یافته‏اند.یکی از آن‏ها،قوامی رازی و دیگری ابوالمعالی رازی است‏ که هر دو شیعه بوده‏اند.مرحوم دکتر ذبیح الله صفا معتقد است که مناقب خوانان شیعه از قرن ششم به‏ بعد اشعار شاعران شیعی به ویژه قوامی رازی را در مجالس و معابر می‏خوانده‏اند.(24)

از ابوالمعالی رازی نیز قصیده‏ای با مطلع‏

خروش من همه از چیست از نعیق غراب‏ که دور ساخت مرا از دیار و از احباب

موجود است که در آن به ستایش علی(ع)و آل‏ او،پرداخته است.(25)

مولف کتاب«النقض»نیز از شاعران دیگری‏ همچون اسعدی قمی،عبد الملک بنان،خواجه علی‏ متکلم رازی،احمدچه رازی،خواجه ناصحی، قائمی،معینی،بدیعی،امیر اقبالی،ظهیری،بردی، شمسی،فرقدی،مستوفی،محمد سمان،سید حمزه‏ جعفری و...نام می‏برد و آن‏ها را شیعه و مداح اهل‏ بیت می‏شمرد(26)اما از زمان حیات،پیرامون احوال‏ و اشعار اغلب آن‏ها در تذکره‏ها،ذکری به میان نیامده‏ و گویا از معاصران مولف بوده‏اند.

\*\*\*

بزرگترین شاعر قرن ششم که باید از او نام برد، حکیم سنایی غزنوی(م:532)است.او را از دیگران متمایز می‏کنیم،چون در شعر او،نکات‏ خاص عقیدتی وجود دارد که علاقه و پایبندی‏اش‏ را به اهل بیت(ع)کاملا تایید می‏کند.(27)به‏ علاوه،سنایی نخستین شاعری است که‏ داستان‏هایی از زندگی حضرت علی(ع)را به نظم‏ کشیده است.(28)برای نمونه،عنوان برخی از داستان‏ها را که در حدیقه الحقیقه آمده است. برمی‏شمریم:داستان جنگ جمل،داستان جنگ‏ صفین و خدعه عمرو عاص درباره کشته شدن عمار یاسر،داستان شهادت علی(ع)،داستان عقیل و آهن تفته،داستان زره بدون پشت علی(ع)،داستان‏ بالا رفتن علی(ع)بر کتف پیامبر در فتح مکه و... که هسته اصلی همه این‏ها،یکتایی علی(ع)است.

نیز وی اشاره‏وار بسیاری از وقایع زندگی آن‏ حضرت را در شعر خود آورده که ذکر آن در این‏ مجال نمی‏گنجد.برای نمونه داستان زخمی شدن‏ آن حضرت را در جنگ احد نقل می‏کنیم:

در احد میر حیدر کرار یافت زخمی قوی در آن پیکار

ماند پیکان تیر در پایش‏ اقتضا کرد آن زمان رایش

که برون آرد از قدم پیکان‏ که همان بود مرورا درمان

زود مرد جرایحی چو بدید گفت باید به تیغ باز برید

تا که پیکان مگر پدید آید بسته زخم را کلید آید

هیچ طاقت نداشت با دم گاز گفت بگذار تا به وقت نماز

چون شد اندر نماز حجامش‏ ببرید آن لطیف اندامش

جمله پیکان ازو برون آورد و او شده بی خبر ز ناله و درد

چون برون آمد از نماز علی‏ آن مر او را خدای خوانده ولی

گفت کمتر شد آن الم چون است؟ وز چه جای نماز پر خون است؟

گفت با او جمال عصر حسین‏ آن بر اولاد مصطفی شده زین

گفت چون در نماز رفتی تو بر ایزد فراز رفتی تو

کرد پیکان برون ز تو حجام‏ باز نا داده از نماز سلام

گفت حیدر به خالق الاکبر که مرا زین الم نبود خبر...

(29) در قرون بعد،توجه به داستان‏های زندگی علی(ع) مورد توجه شاعران قرار گرفت و بزرگانی چون‏ عطار،مولوی،امیر خسرو دهلوی و...در این‏ راه،هنرنمایی کردند.

بجاست که از شاعر دیگری هم نام ببریم که در قرن ششم مبدع طریقه جدیدی در ادبیات فارسی‏ بود و آن رشید الدین وطواط(م:573)است.از سال‏ها پیش،شاعران چندی به طور پراکنده، بعضی از سخنان علی(ع)را به نظم آورده بودند. اما رشید الدین وطواط در رساله‏ای مستقل،صد سخن از کلمات قصار امام را«به دو زبان فارسی و تازی»تفسیر کرد و«در آخر تفسیر هر کلمه،دو بیت شعر از منشات خویش که مناسب آن کلمه»(30) بود آورد و نام آن را«مطلوب کل طالب من کلام‏ علی بن ابی طالب»نهاد.بعدها،شاعران دیگری‏ به پیروی از رشید الدین بعضی از سخنان امام علی(ع)، پیامبر اکرم(ص)و دیگران را منظوم ساختند.(31)

\*\*\*

پایان سخن را به معرفی اولین«منظومه‏ حماسی»مختص علی(ع)اختصاص می‏دهیم.

تا آن جا که جستجو کرده‏ایم،اولین منظومه‏ حماسی مستقل که به شرح رشادت‏ها و شجاعت‏ها و جنگ‏های حضرت علی(ع)پرداخته است‏ «خاوران نامه»ابن حسام خوسفی(م:875) است.(32)محمد بن حسام در کتاب مذکور تاریخ‏ و افسانه را در هم آمیخته است.موضوع کتاب‏ سفرها و حملات منسوب به علی(ع)به سرزمین‏ خاوران به همراهی مالک اشتر و ابو المحجن و جنگ با قباد پادشاه خاور زمین و امیران دیگر است. نظم این حماسه نشان دهنده اخلاص شدید ایرانیان‏ به امیر مومنان(ع)است.به گونه‏ای که خواسته‏اند آن حضرت را در صف پهلوانان ملی درآورند و از او شخصیتی برگونه اساطیر بسازند.(33)

1-البته این بدان معنا نیست که در زمان پیامبر(ص)شاعری‏ حضرت علی(ع)را ستایش نکرده است.

چنان که می‏دانیم حسان بن ثابت،واقعه غدیر خم و جانشین‏ علی(ع)را به شعر درآورده است.ر.ک:تعلیقات النقض، ج/861.

2-آیا قصه شسته شدن دیوان غضایری رازی به دست عنصری‏ هم از این قبیل است؟

3-اشعار پراکنده قدیم‏ترین شعرای فارسی زبان،به کوشش‏ ژیلبر لازار،انجمن ایران شناسی فرانسه در تهران،1361، ص 36.

4-محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی،سعید نفیسی، انتشارات امیر کبیر،چاپ سوم،صص 525 و 500

5-دیوان ناصر خسرو،به تصحیح مجتبی مینوی-مهدی‏ محقق،انتشارات دانشگاه تهران،چاپ چهارم،372.

6-منظور ما شاعرانی نیستند که از نام حضرت علی(ع)و وقایع‏ زندگی ایشان تنها برای مضمون سازی و آرایه پردازی استفاده‏ کرده‏اند.

7-تاریخ ادبیات در ایران،ذبیح الله صفا،انتشارات فردوس، چاپ یازدهم،1370 ج 1/479.

8-«النقض»،نصیر الدین،ابو الرشید عبد الجلیل قزوینی‏ رازی،تصحیح محدث ارموی،انتشارات انجمن آثار ملی/ 231.

9-چهار مقاله،نظامی عروضی،تصحیح دکتر محمد معین، امیر کبیر،چاپ دهم،79-78.

10-شاهنامه فردوسی،تصحیح ژول مول،شرکت سهامی‏ کتاب‏های جیبی،چاپ سوم ج/8 و نیز ر.ک.شاهنامه‏ فردوسی تصحیح محمد دبیر سیاقی،انتشارات علمی،چاپ‏ سوم ج 1/6.

11-تاریخ ادبیات در ایران،ج 1/480 و نیز شاهنامه‏ فردوسی،ژول مول،دیباچه،99.

12-النقض/231

13-مرحوم محدث ارموی نوشته‏اند:اگر منظور از فخری‏ جرجانی«فخر الدین اسعد گرگانی»باشد،در تذکره‏ها به تشیع‏ او تصریح نشده است و اگر مراد غیر او باشد،برای ما حال‏ او معلوم نیست.ر.ک:تعلیقات النقض،ج 2/1005.

14-مجموعه مقالات اقبال آشتیانی،به اهتمام دبیر سیاقی/ 177

15-کسایی مروزی،زندگی،اندیشه و شعر او،تالیف دکتر محمد امین ریاحی/77.

16-همان/86-88.

17-میسری در آغاز کتاب گفته است: من این را گفتم اندر ماه شوال‏ به شصت و سیصد و هفت آمده سال‏ و در پایان کتاب گفته است: به سال سیصد و هفتاد بودیم‏ کزین نامه همی پردخته شوذیم

18-اشعار پراکنده/181. نکته جالب دیگر آن که در کتاب مذکور سخنی از حضرت علی(ع) نیز به نظم کشیده شده است: علی نیز این به تازی باز رانذ که مردم را بها چندان که دانذ که ترجمه این حدیث است:قیمه کل امرء ما یحسنه ر. ک:اشعار پراکنده/183.

19-میسری در پایان منظومه‏اش گفته: من از دو بیست و دو سه برگذشتم‏ و دیوان جوانی برنوشتم‏ که با کسر 46 سال از 370(سال اتمام کتاب)سال تولد وی‏ (324)به دست می‏آید.

20-پاسخ به این پرسش که حکیم میسری شیعه بوده یا سنی، چندان آسان نیست.وی در مقدمه کتابش جز علی(ع)نامی‏ از خلفای دیگر نمی‏برد و تنها می‏سراید: در ودش بر محمد صد هزاران‏ پس آن گه بر همه فرخنده یاران‏ اما در پایان کتاب می‏گوید: درودش صد هزاران بر پیمبر خداوند لوا و تاج و منبر ابر بوبکر و بر عمر و عثمان‏ که کردش او به ما بر جمع قرآن‏ ابر حیدر که باشد او چهارم‏ که هست این دوستی‏شان یادگارم(کذا) اما آن چه مسلم است ارادت خاص او به علی(ع)و اهل بیت‏ بر کسی پوشیده نیست.

ر.ک:دانشنامه در علم پزشکی به اهتمام دکتر برات زنجانی، انتشارات دانشگاه تهران،چاپ دوم،1373،صص 5 و 269.

21-از اشعار اوست: مرا شفاعت این پنج تن بسنده بود که روز حشر بدین پنج تن رسانم تن‏ بهین خلق و برادرش و دختر و دو پسر محمد و علی و فاطمه حسین و حسن‏ ر.ک:تاریخ ادبیات در ایران،ج 1/572.

22-باید دانست که اشعاری از وی در مدح خلفای فاطمی‏ در دست است که آن نیز در همین راستا قابل توجیه است.

23-دیوان ناصر خسرو/184،ذکر این نکته نیز خالی از لطف نیست که ناصر خسرو اولین مؤلفی است که در دیباچه‏ کتاب‏های نثر خود،به صراحت و با ذکر نام،حضرت‏ علی(ع)را ستوده است.

ر.ک:تحمیدیه در ادب فارسی،غلامرضا ستوده،ج 1/ 64.

24-تاریخ ادبیات در ایران،ج 2/193.

25-همان/601.

26-ر.ک:«النقض»،صص 231 و 232 و 577.

27-برای مثال در دیوان سنایی قصیده‏ای در مدح امام‏ رضا(ع)با مطلع:

دین را حرمی است در خراسان‏ دشوار تو را به محشر آسان‏ وجود دارد که در آن لازمه توحید را«ولایت»می‏داند.ر.ک: دیوان سنایی غزنوی،به اهتمام مدرس رضوی،کتابخانه‏ سنایی،چاپ سوم/451(با سپاس فراوان از استاد عزیزم، دکتر محمود عابدی که این نکته را به من گوشزد کردند).

28-گویا پیش از سنایی ناصر خسرو،داستان‏هایی از زندگانی علی(ع)را،اشاره‏وار به نظم کشیده است.

29-حدیقه الحقیقه،تصحیح مدرس رضوی،انتشارات‏ دانشگاه تهران،چاپ چهارم/140.

30-مطلوب کل طالب،رشید الدین وطواط،تصحیح و تعلیقات دکتر محمود عابدی،بنیاد نهج البلاغه/64.

31-همان/20.

32-گویا در قرن ششم،مناقب خوانان مغازی،حضرت‏ حضرت علی(ع)را در کوی و برزن می‏خوانده‏اند،اما اکنون از آن اشعار چیزی در دست نداریم،ر.ک:«النقض»/35-34.

33-ر.ک:حماسه سرایی در ایران،ذبیح الله صفا، انتشارات امیر کبیر،چاپ چهارم/8-377.